

## سبک‌های تربیتی و پیشگیری از جرم

عادل ساریخانی\*

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۷)

### چکیده

خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، می‌تواند با بهره‌گیری از سبک‌های تربیتی رایج یا سبک تربیت دینی، تأثیر سلبی یا ایجابی بسزایی در ابعاد گوناگون رشد فرزندان، تکوین شخصیت و رفتارهای آنان داشته باشد. بر این اساس، سبک‌های تربیت فرزند را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد، یکی سبک‌های غیردینی که بر دیدگاه‌های انسانی پایه‌ریزی شده و دیگری، سبک دینی که بر پایه آموزه‌های دینی پایه‌گذاری شده است. در این میان، آنچه اهمیت ویژه دارد، پیامدهای هر یک از سبک‌های یادشده در پیش‌گیری بهتر از بزه‌کاری برآمده از چگونگی تربیت فرزندان است. از این رو نتیجه مقایسه نشان می‌دهد سبک فرزندپروری مسئولانه دینی مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزندپروری است که می‌تواند در پیشگیری از بزه‌کاری فرزندان مؤثر باشد. در این راستا، سبک فرزندپروری مقتدرانه از سبک‌های غیردینی، نزدیکی بیشتری به سبک تربیت مسئولانه دین‌محور دارد. اما دیگر سبک‌های تربیت غیردینی آسان‌گیرانه، مستبدانه و مسامحه‌کارانه ناسالم شمرده می‌شوند. زیرا نه تنها از ناهنجاری و بزه‌کاری فرزندان پیشگیری نمی‌کنند، آسیب‌زا و مولد بزه‌کاری نیز به شمار می‌آیند.

### کلیدواژگان

بزه‌کاری، پیشگیری، خانواده، سبک تربیت دینی، سبک تربیت غیردینی، فرزندپروری.

## مقدمه

سبک‌های تربیت به روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک یا افراد دیگر تأثیر می‌گذارند. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری نشان‌دهنده تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (Baumrind, 1991, pp.111-163). بر این اساس، سبک فرزندپروری، متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌تواند تعیین‌کننده رشد روانی اجتماعی، موفقیت اجتماعی، رفاه، سلامت، یا به‌عکس اختلالات و ناهنجاری‌های رفتاری فرزندان باشد.

از نگاه دینی نیز، سبک فرزندپروری به شرح زیر است:

۱. رفتارها؛

۲. روش‌ها؛

۳. آموزش‌ها؛

۴. زمینه‌سازی‌های لازم.

که این امور بر پایه آموزه‌های قرآن، احادیث و سیره معصومین تنظیم می‌شود تا شخصیت فرزندان در تعامل والدین و با توجه به مراحل متفاوت رشد متربیان، در جنبه‌های گوناگون روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی بهنجار رشد کند. با این حال، پدر و مادرها در انجام‌دادن فرایند یادشده و کنترل فرزندان خود، متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند.

در این پژوهش تلاش شده است از رهگذر مقایسه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری دینی و

غیردینی به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- گونه‌های سبک‌های تربیتی رایج غیردینی و دین‌محور با ویژگی‌ها و پیامدهایشان کدامند؟

- نقش کدام یک از سبک‌های فرزندپروری یادشده در پیش‌گیری از بزه‌کاری تأثیر بهتری

خواهد گذاشت؟ در این مقاله به روش تحلیلی به این پرسش پاسخ خواهیم داد.

## گونه‌های فرزندپروری به سبک دینی و غیردینی

خانواده اولین رکن مهم و بستر تربیتی جامعه است که سبک زیستن و زندگی کردن را خودآگاه یا

ناخودآگاه به فرزندان منتقل می‌کند. امروزه، باید بپذیریم دستاوردهای نوین زندگی عصر ارتباطات در پوشش تجدد و تمدن، کانون خانواده را در آستانه فروپاشی برده است. از این رو بسیاری از افرادی که بدون شناخت و آگاهی لازم و پیشین، مقام والای پدر و مادری را به دست می‌آورند، ناگزیر برای تربیت فرزندان تولیدشده براساس یکی از نگرش‌های بالا و بر پایه دو معیار مهربانی و سخت‌گیری، به شرح زیر اقدام می‌کنند (هاک<sup>۱</sup>، ۱۳۸۱، ص ۷۳-۶۳) که ممکن است پیامدهایش نه تنها دل‌پذیر نباشد، بلکه به لحاظ فردی و اجتماعی زیان‌بار هم باشد.

### فرزندپروری غیردینی

نگاه‌های رایج فرزندپروری بر پایه معیارهای غیردینی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

#### ۱. تربیت با سخت‌گیری بدون محبت (مستبدانه)

در این سبک از فرزندپروری که بسیار سخت‌گیرانه و مستبدانه است، فقط باید پدر یا مادر (یا هر دو) تصمیم بگیرد، هدف را تعیین کند، وظیفه افراد را بدون ارائه دلیل مشخص کند و امور زندگی را بی‌توجه به خواست و حقوق فرزندان، ترتیب دهد. همه باید به دلخواه و برابر میل او رفتار کنند و فقط او می‌تواند از دیگران انتقاد کند. او در کوچک‌ترین کارها و امور اختصاصی اعضای خانواده مداخله کرده و ارزش کار آن‌ها را تعیین می‌کند. او «خوب» و «بد» را تشخیص می‌دهد و قواعدی را متناسب با سن کودکان، مانند زمان کار، گردش، استراحت، خواب و تحصیل و جز آن تعیین و بر آن‌ها تحمیل می‌کند (کلمن<sup>۲</sup>، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۷۳-۸۷۲؛ شریعتمداری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۶). چنین والدینی با دنبال کردن رفتارهای آینده‌فرزندان، درباره رقابت‌ها و تعامل اجتماعی غیرمؤثر فرزندان خود اضطراب دارند (هترینگتون و پارک<sup>۳</sup>، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۸۷) ادامه این روند، جهان را در دید کودک به دو بخش حقارت و برتری تقسیم می‌کنند که در انتهای بخش حقارت، خود کودک و در انتهای دیگر، والدینش قرار می‌گیرند.

1. Huck  
2. Koleman  
3. Hettrington & Park

**۲. تربیت با مهربانی بدون سخت‌گیری (آسان‌گیرانه)**

در این گونه تربیتی، والدین با مهربانی و ملاحظه بیش از اندازه با کودک خود رفتار می‌کنند و این رایج‌ترین اشتباه ارتكابی چنین والدینی است، زیرا کودکی که به دلیل محبت بیش از اندازه والدینش، صبر و تحمل در برابر ناملایمات و سختی‌ها را نیاموخته، کودکی ضعیف‌النفس، وابسته و از لحاظ عاطفی نیز کودک صفت است که در بزرگسالی به دلیل در کنترل‌نداشتن رفتارش، با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد (Maccoby, 1983, pp.1-101). از این رو ممکن است به دلیل ناتوانی از درک این موضوع که قانون، مانند والدینش بخشش ندارد و از اشتباهاتش چشم‌پوشی نخواهد کرد، به راحتی قوانین اجتماعی و دیگر ارزش‌ها را نادیده بگیرد و زیر پا بگذارد، زیرا اهداف و انتظارات روشنی برای او ترسیم نشده است. در نتیجه، استقلال و آزادی فراوان در خودگردانی امور، او را پایبند به انجام‌دادن رفتارهای رشدیافته نکرده است (Fraleigh, 1987, pp.1254-1294). چنین فرزندی آزادانه به خواسته‌ها و تصمیم‌های والدین بی‌اعتنایی می‌کنند (هواسی، ۱۳۸۶، ص ۷۹). والدین پیرو این سبک هیچ‌گاه صبر و تحمل ندارند تا ببینند فرزندشان آرام‌آرام کارها را یاد می‌گیرد، آن‌ها هیچ‌گاه برای استقلال فرزندشان تلاش نمی‌کنند، حتی گاهی لذت می‌برند از اینکه فرزندشان به آن‌ها وابسته بماند (ماسن<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۴۶۶ و ۴۴۹). بر این اساس، داشتن قضاوت‌های ارزشی نسبت به فرزند برای چنین والدینی دشوار است و نمی‌توانند نظم و انضباط و مقررات خاصی برای او تعیین کنند. بنابراین، ارتباط والدین با فرزند بدون تمایل به جهت‌دادن رفتارهای او سطحی است.

**۳. تربیت بدون مهربانی و سخت‌گیری (مسامحه‌کارانه)**

پژوهشگران (Maccoby, 1983, p.101) بر این باورند که این سبک از فرزندپروری بر مبنای بی‌توقعی والدین همراه با رفتارهای بی‌اعتنای آن‌ها است. از این رو، والدین بی‌کفایت و مسامحه‌کار، مانند برخی والدین سبک آسان‌گیرانه، اما با تأثیری ویرانگرتر از آن‌ها، به‌ظاهر جز

---

1. Masson

فراهم کردن کمینه خوراک و پوشاک فرزندان تعهد دیگری نسبت به نقش پدر و مادری خود در مراقبت و دلبستگی عاطفی نسبت به فرزندان ندارند. بنابراین، محدودیت‌های اندکی را برای فرزندان قائل می‌شوند و تقاضای کمتری برای رفتار سنجیده از آنها دارند و به آنان اجازه می‌دهند درباره بسیاری از فعالیت‌های روزمره تصمیم بگیرند، در نتیجه هرج و مرج و بی‌نظمی بر روابط اعضای چنین خانواده‌هایی سایه می‌افکند و زندگی مشکل می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵). چنین فرزندان، به‌طور غالب در عالم خیال به سر می‌برند و از برخورد با واقعیت‌های زندگی خودداری می‌کنند و نسبت به مصالح و منافع خود و جمعی که در آن زندگی می‌کنند، بی‌توجه‌اند. والدین پیرو این سبک تربیتی که خود زیر فشارهای روانی فراوان زندگی آسیب‌پذیرند، از مسئولیت تربیت فرزندان خود فارغ‌اند و کمترین وقت، انرژی و کوشش را برای تعامل با کودک اختصاص می‌دهند و با ایجاد فاصله و حفظ آن میان خود و فرزندان، اغلب بالاترین اولویت را برای نیازها و علائق خود قائل می‌شوند. بنابراین، برخی از این سبک، به سبک تربیتی والدین محور یاد می‌کنند (هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۳۴).

#### ۴. تربیت با مهربانی همراه با سخت‌گیری (مقتدرانه)

در این گونه تربیت، والدین بر این باورند که به‌جای سخن‌گفتن درباره رفتارهای کودک، بر خود رفتار او تأکید کنند و هرگز کودک یا شخصیتش را مخاطب قرار ندهند، زیرا به ذات نیک همه انسان‌ها، ارزش وجودی آنها و نیز بهادادن به نیکی و خوبی که به شکوفایی آنها می‌انجامد، ایمان دارند. از دید آنان رفتارهای اشتباه کودکان برای رسیدن به بلوغ فکری و رویارویی با مشکلات دوران بزرگسالی، ضروری است. از این رو، بدون کوچک‌ترین خشونت و فشاری، به آنها می‌آموزند که با ارزش‌ترین هدیه در زندگی، خودنظمی است و فقط آنان را نه بدان دلیل که سزاوارند، بلکه برای آموختن اصلاح رفتارشان، تنبیه می‌کنند. آنان بیش از تنبیه، از تعریف و تمجید در برخورد با فرزندان استفاده می‌کنند و با گوشزدکردن توانایی‌ها و جنبه‌های مثبتشان به آنها از داوری با شتاب به هنگام دیدن رفتارهای نادرست، پرهیز می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهند تا دلایل خود را ارائه کنند.

چنین والدینی، با پرهیز از تفاوت‌گذاری، وانمودکردن و بی‌دلیل‌زدن فرزندان که پیامد آن پیدایش نفرت و بیزاری است، بر مبنای احترام و با شیوه‌های مختلف فیزیکی و کلامی با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنند و بیش از مقررات، ارزش‌ها را به فرزندان آموزش می‌دهند (هواسی، ۱۳۸۶، ص ۷۹). والدین یادشده، برنامه‌ها و کارهایی را که بیان می‌کنند، به‌طور حتم انجام می‌دهند. از این رو آنان را والدین قاطع می‌نامند.

در این میان فرزندپروری دینی بسیار فراتر از نگاه‌های تربیتی یادشده است.

### فرزندپروری دینی

از دیدگاه دینی، فرزندپروری یک فرایند است، نه روند (پروژه) و گستره‌هایی فراتر از یک کار برهه‌ای دارد، زیرا موجود انسانی نیز در همه دوران زندگی، مانند موجودات عالم هستی، دستخوش دگرگونی و شدن است. به‌طوری که هر تغییری ثمره تحول پیشین و متأثر از آن، مقدمه دگرگونی مرحله پسین است و این دگرگونی را می‌توان نسبت به انسان در دوره‌های جنینی، نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و پیری مشاهده کرد (عطاران، ۱۳۷۱، ص ۱۱). از این رو، تربیت از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است که در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می‌آید. در ادامه، مراحل این فرایند شرح داده می‌شود:

#### ۱. مرحله مقدماتی فرزندپروری

در تربیت دینی، بر عکس سبک‌های تربیتی غیردینی که فقط به جنبه‌های مادی دوران بارداری (بهداشت و تغذیه فردی و پیش‌گیری از مشکلات ژنتیکی) و نیز موفقیت در زندگی مادی فرزند پس از تولد توجه می‌شود، فرزندپروری فرایندی است که افزون بر جنبه‌های مادی یادشده، نگاهی ویژه به گام‌های پیش از آن نیز دارد. به‌طوری که آموزه‌های قرآنی (بقره: ۲۲۱؛ نور: ۳ و ۲۶) پیرامون نخستین گام (چگونگی همسرگزینی)، بر توجه به دین‌داری، ایمان، هم‌شأنی و اصالت ریشه‌های خانوادگی که در آثار وراثتی، نقش روشنی دارند، تأکید کرده است، زیرا رعایت اصل همگونگی و تجانس که در همه روابط اجتماعی لازم است، در تشکیل خانواده، اهمیت بیشتری دارد که نمی‌توان هر روز آن را بر هم زد و رابطه دیگری جایگزین آن کرد (حکیمی و همکاران،

۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۷۱-۴۷۰). سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) نیز بخش دیگری از آموزه‌های دینی می‌باشد که دربرگیرنده سفارش‌ها، گفتار و رفتارهایی است که در این مرحله ناظر به گزینش همسر شایسته، رعایت آداب آمیزش و رعایت نکات دوران بارداری تا تولد فرزند است تا از پیامدهای ژنتیکی، وراثت و نیز دیگر پیامدها، مانند کوری، دیوانگی، دوجنسیتی و جز آن که گریبان‌گیر فرزند خواهد شد، پیشگیری شود.<sup>۱</sup>

## ۲. مرحله پس از تولد تا ورود به جامعه

در این مرحله نیز، تربیت دینی با اقداماتی همراه است، به طوری که والدین در برابر فرزندان، به عنوان نعمتی الهی و امانت او در نزد خود، مسئولیت الهی و مقدس و باارزش معنوی دارند و باید آنان را مایه ثواب و پاداش اخروی و رحمت و غفران الهی بدانند (مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۱۷۲). زیرا داشتن فرزند عطیه‌ای الهی و مایه خوشبختی انسان است که در پرتو توجه و تربیت مناسب والدین به رشد کافی می‌رسد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۳۵۷). پس باید در برابر آنان به وظایف خود، درست عمل کنند و تربیت آن‌ها را در راستای مظهریت صفات الهی قرار دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۲۳۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۲۸). بر این اساس، ثمره و محصول چنین تربیتی مایه انس و آرامش والدین و نیکوترین یادگاری است که از آن‌ها به جای می‌ماند (آمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲ و ۱۳۷).

۱. برای آگاهی بیشتر از آموزه‌های یادشده رک. کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۳۹؛ ج ۳، ص ۲۹۷؛ ج ۵، ص ۳۲۲-۳۴۷ و ۴۹۹؛ ج ۶، ص ۵۱-۵۰ و ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ج ۲، ص ۱۵۲؛ ج ۵، ص ۱۷۸؛ ج ۳، ص ۵ و ۲۸۶-۲۸۴؛ ج ۶، ص ۳۵۹؛ ج ۷۲، ص ۲۴۳ و ۲۵۹؛ ج ۷۴، ص ۱۸۱ و ۱۹۲؛ ج ۷۷، ص ۱۰۸؛ ج ۷۸، ص ۲۰۱؛ ج ۱۰۳، ص ۱۸۹ و ۲۳۵؛ ج ۱۰۴، ص ۹۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۸۵۵؛ ج ۱۶، ص ۲۹۶، ۴۱۹ و ۴۴۶-۴۴۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۳۲؛ ج ۵، ص ۱۲۶ و ۴۹۷؛ ج ۸، ص ۵۰۱؛ ج ۱۴، ص ۵۲ و ۷۹-۹۴؛ ج ۱۵، ص ۱۷۵، ۱۸۹-۱۸۸، ۱۹۶-۱۹۴ و ۲۰۴-۲۰۳؛ آمدی، ۱۳۸۷، ص ۵۷۹؛ طبرسی، ۱۳۹۲-ه ق، ص ۴۶، ۲۰۸، ۲۳۱-۲۱۴ و ۲۴۹؛ حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۶-۲۳۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۲۴-۵۳۸؛ ج ۱۵، ص ۱۷۰-۱۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۶؛ ج ۳، ص ۹۴ و ۲۰۳؛ کریمی‌نیا، ۱۳۷۲، ص ۳۷؛ قمی، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶-۱۷۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۵، ص ۴۲؛ بخاری جعفری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۱۵؛ شریعتی، بی تا، ص ۹۸.

در نگرش تربیت دینی، تأکید فراوانی بر رفتار و گفتار متعادل و دوری از هرگونه زیاده‌روی و کوتاهی در انجام‌دادن وظایف تربیتی به والدین شده است، تا فرزند بتواند با آرامش و اطمینان از مرحله کودکی گذر کند و میان رفتار پسندیده و ناپسند فرق بگذارد. زیرا فرزندى که در سایه محبت افراطی رشد کرده باشد، دیرتر از همسالان خود به پختگی عاطفی خواهد رسید و در برابر مشکلات زندگی تاب مقاومت نداشته و به‌طور غالب قدرت مبارزه و رویارویی با دشواری‌ها را نخواهد داشت (فلسفی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۰؛ عاقل، ۱۹۸۵، ص ۵۳۵). بنابراین، یک دسته از بدترین پدران و مادران آنانند که در مهربانی به فرزندان زیاده‌روی می‌کنند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۰).

زیاده‌روی در سرزنش نیز آثار نامطلوبی را در ذهن و روان کودکان برجای خواهد گذاشت به‌طوری که آتش لجباجت را در وجود فرزند شعله‌ور می‌کند. از این دیدگاه فرزند ناصالح نابودکننده شرف و اعتبار والدین و نیاکان و آلوده‌کننده آن‌ها و فرزندان و بازماندگان خود معرفی شده است (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴؛ آمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶ و ۸۵۳). پس والدین باید به‌منظور تقویت وجدان اخلاقی در وجود کودکان و نیز گشودن دریچه‌ای به آفاق آینده، تلاش کنند به‌جای ترس از مجازات یا رغبت به تعریف و تمجید، ترس از ارتکاب عمل ناشایست و رغبت به کارهای شایسته، در دل و نهاد آنان استوار شود. در این دیدگاه تربیتی، اگر والدین به‌درستی وظایف خود را در قبال فرزندان انجام ندهند و این امر به تربیت نادرست آنان منجر شود، به‌طور قطع، در برابر تربیت فرزندان مؤاخذه می‌شوند (کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵۵). زیرا چنین والدینی در واقع هم به سقوط و انحراف آن‌ها از مسیر حق کمک کرده‌اند و هم خودشان از پیامد دنیوی از جمله ترس و حزن و نیز پیامد اخروی رفتارشان در امان نخواهند بود (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵۷؛ حائری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۴). از این رو ضروری است در فرایند تولید و تربیت فرزند نیکو و شایسته، نگرش والدین نسبت به ماهیت فرزند و وظایف، و مسئولیت‌هایی که در قبال وی دارند، اصلاح و در مسیر درست قرار گیرد.



### مقایسه نقش سبک‌های فرزندپروری در پیشگیری از بزه‌کاری

پیشگیری به معنای جلوگیری کردن، ممانعت کردن و انجام دادن اقدامات احتیاطی، برای جلوگیری از رخداد‌های بد و ناخواسته است (معین، ۱۳۶۳، ص ۳۹۵). برخی جرم‌شناسان آن را رفتن به جلوی تبهکاری و ناهنجاری، به منظور ممانعت از وقوع بزه تعبیر کرده‌اند (گسن<sup>۱</sup>، ۱۳۷۰، ص ۳۹۵)، و برخی دیگر آن را مجموعه اقداماتی دانسته‌اند که در قالب شناسایی و ارزیابی خطر جرم و اتخاذ راه‌کارهای لازم برای جلوگیری از وقوع آن انجام می‌گیرد (شیری، ۱۳۸۶، ص ۵۲-۱۵). امروزه گونه دیگری از پیشگیری مطرح است که از آن به تدابیر پیشگیرانه رشد‌مدار یاد می‌شود و ناظر به متغیرهای سن، زمان، عوامل خطر و دوران کودکی و نوجوانی است که به شناسایی و ارزیابی ریشه‌های گرایش افراد به خطر ارتکاب جرم در نهادهای جامعه‌پذیری نخستین (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) می‌پردازد (طه، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹ و ۱۹۶-۱۹۳؛ متولی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳). بر این اساس، در ادامه، نقش پیشگیرانه هر یک از این دو رویکرد را بررسی می‌کنیم.

#### پیامدهای سبک‌های غیردینی

در سبک‌های یادشده، نظارت بر چگونگی روند تربیت فرزندان بر عهده انسان‌ها (والدین) است که از راه کنترل و اجتماعی کردن فرزندان آن هم تنها با توجه به جنبه‌های مادی تربیت انجام می‌گیرد. به بیان دیگر، بیشتر اهداف تربیت، برتری و سرآمدی انسان‌ها نسبت به دیگر موجودات، در ابعاد دنیوی یعنی علم، فن، هنر و غیره می‌باشند و توجه به امور معنوی به‌طور شایسته مورد توجه نیست.

در این مقایسه سبک‌های تربیتی (سخت‌گیرانه، آسان‌گیرانه و مسامحه‌کارانه) از سبک‌های انسان‌گرا، تدابیر مناسبی را برای مرتفع کردن شرایط خطر در نهاد خانواده، با هدف ازبین‌بردن یا بهبود عوامل خطر بزه‌کاری و نیز ایجاد عوامل حمایتی برای تقویت مقاومت فرزندان در مقابل

گرایش به بزه‌کاری در ابعاد وضعی و اجتماعی، اتخاذ نمی‌کنند، بلکه به لحاظ پیامدهای بد تربیتی، حتی از تأمین جنبه‌های مادی انسانی هم ناتوان می‌باشند و برعکس، خود بسترساز بزه‌کاری فرزندانند. از این رو، در ادامه به‌طور کوتاه به مهم‌ترین پیامدهای بد چنین سبک‌هایی اشاره می‌شود.

### ۱. سبک سخت‌گیرانه

فرزندان پرورش‌یافته با این سبک تربیت، اگر چه به‌طور معمول پیرو و فرمانبردارند، در بیشتر موارد به‌دلیل ارضانشدن احساس عاطفی‌شان، افزون بر پایین‌بودن خلاقیت، عزت نفس و نیز احساس گهتری، با مشکلات روانی فراوانی مانند، اضطراب، افسردگی، وسواس، نومییدی، پرخاشگری و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و بزه‌کارانه مواجهند و برای رهایی از تنبیه و سرزنش به دروغ‌گویی و ریاکاری، روی می‌آورند و از راه همانندسازی ناخودآگاهانه خود با والدین، نسبت به همسالان یا افراد کوچک‌تر از خود دشمنی می‌کنند و بی‌توجه به حقوق دیگران، آن‌ها را اذیت و آزار می‌کنند. در مراحل بعدی رشد به نشانه شورییدن بر خانواده خود، آرامش آنان را برهم می‌زنند تا احساس تنش و ناامنی شدید ایجاد کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند سبک یادشده، مهم‌ترین عامل درگیری و گرایش فرزندان به رفتارهای ضداجتماعی، به‌ویژه فرار از منزل، مصرف انواع داروهای مخدر، الکل، بهره‌کشی و خودکشی است (سهرابی و حسنی، ۱۳۸۶، ص ۷۸؛ ماسن و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۴۳۱ و ۶۳۰؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵، ص ۸۷۵؛ هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳، ص ۴۶۵؛ مهکام، ۱۳۸۳، ص ۷۷؛ قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۶۸-۶۶؛ قائمی امیری، ۱۳۷۹، ص ۸۰؛ احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۸۸، ص ۷۰؛ منصور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰؛ پدرام، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

### ۲. سبک آسان‌گیرانه

فرزندان تربیت‌یافته با این سبک تربیتی، به‌دلیل آشفتگی ارتباط میان آن‌ها با والدینشان، نسبت به ارزش‌های اجتماعی بی‌اهمیت و ناهم‌نوا هستند. در مواجهه با مشکلات ناپایدارند و در عین ناپختگی، انتظارات گسترده‌ای دارند و خواسته‌هایشان را با ناتوانی در مهار تکانش‌های درونی و بی‌رونی بی‌درنگ انجام می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهند، محبت افراطی والدین، از آنان افرادی

متوقع برای جلب بی‌چون و چرای حمایت و محبت دیگران ساخته است. به طوری که زمینه درگیری فراوان آنان با رفتارهای تکانشی، پرخاشگرانه و گرایش‌های ضداجتماعی مانند، مصرف مواد مخدر، سرقت و دیگر رفتارهای بزه‌کارانه را فراهم می‌کند (سهرابی و حسنی، ۱۳۶۸، ص ۸۸-۷۵؛ شریعتمداری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶-۲۱۵؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹-۱۱۵).

### ۳. سبک مسامحه‌کارانه

فرزندانی که شخصیتشان بر پایه این سبک تربیتی شکل گرفته است، افزون بر عزت نفس پایین همراه با اضطراب و تشویش ذهنی برآمده از بی‌کفایتی والدین، از مهار رفتارهای پرخاشگرانه نیز ناتوان هستند. در نتیجه، تمایل به ناسازگاری، سرکشی، ابراز تنفر، خیال‌پردازی و رفتارهای ضداجتماعی دارند تا از این راه محبت دیگران را جست‌وجو کنند. آنان بیشتر زمان خود را به پاتوق کردن در محله‌های خاص و خوش‌گذرانی سپری می‌کنند. یافته‌ها نیز نشان می‌دهند چنین فرزندانی، برای جبران کمبودهای اجتماعی خود، گرایش فراوانی به مصرف الکل و داروهای مخدر، جذب شدن به گروه‌های بزه‌کاران و منحرفان دارند (سهرابی و حسنی، ۱۳۶۸، ص ۷۸؛ امیری‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۳۱۵؛ دانش و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷؛ Amelia, 2012; Tomas & (Caroline, 2012; Robinson & Mandleco, 2005; Wiess, 1996; Konoupka, 1976).

### ۴. سبک تربیتی مقتدرانه

سبک تربیتی مقتدرانه از سبک‌های تربیتی انسان‌گرا، با مجموعه ویژگی‌هایش که به‌طور غالب قابلیت کاربردی یا ابزاری نام دارد (Maccoby, 1983, p.101)، نسبت به سبک‌های پیشین، نقش بسزایی در تربیت فرزندان دارد، زیرا در این سبک والدین با فرزندان خود رفتاری صمیمی و مهربانانه دارند و تلاش می‌کنند تا از راه محبت به فرزندان، رابطه خود را با آنان ناگسستی کنند. والدین اقتدارگرا فرزندان خویش را تشویق می‌کنند تا علائق و ارزش‌های خود را دنبال کنند و با دوری از برخورد مستبدانه با آنها، به رفتار خودمختارانه و انضباط ارزش می‌دهند، زیرا باور دارند کنترل منطقی و آزادی حساب‌شده، سبب درونی‌کردن مقررات و اصول رفتارهای درست و پیدایش احساس مسئولیت در فرزندان نسبت به رفتار و اعمالشان می‌شود (ماسن و همکاران،

۱۳۶۸، ص ۴۵۰-۴۴۹؛ نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۳۰-۳۱۵). از این رو، انعطاف‌پذیری والدین، تعادل خوبی را میان خودمختاری و استقلال و درانحصاربودن و محدودیت فرزندانشان برای رشد خوداتکایی آنان فراهم می‌کند. یافته‌ها هم نشان می‌دهند، چنین فرزندانی به لحاظ اقدامات پیشگیرانه اجتماعی والدینشان، به‌طور مؤثر باکفایت‌اند و سطوح پایینی از مشکلات رفتاری و گرایش به رفتارهای پرخطرانه و بزه‌کارانه، مانند مصرف داروهای مخدر، الکل و جز آن را دارند (دانش و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰-۱۲۵).

### پیامدهای فرزندپروری دینی

در این سبک فرزندپروری، مسئولیت والدین دنبال کردن برنامه‌ای فراگیر با نگاه پیشگیرانه است که با همت‌گماردن به انجام‌دادن آن، بر پایه فطرت الهی فرزند و نه تمایلات شخصی و نفسانی و معیارهای انسانی، انجام می‌گیرد. زیرا در این سبک، فرزند امانت الهی نزد والدین به شمار می‌آید و آن‌ها با آگاهی از حقیقت وجودی او و مستعددانستن وی برای رسیدن به همه کمالات، هدایت و تربیتش را وظیفه خود می‌دانند، تا از این رهگذر، هدف رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن فرزند به صفات الهی دست‌یافتنی شود. با این وصف، فرایند فرزندپروری، وظیفه‌ای دینی است که خداوند بر آن نظارت دارد و والدین در جهانی دیگر در برابر این وظیفه بازخواست خواهند شد. بر این اساس، سبک فرزندپروری مسئولانه دینی، از یک‌سو با پیش‌بینی تدابیر فنی به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه مقدماتی یا نخستین، مانند دقت در گزینش همسر، رعایت آداب آمیزش و نکات بهداشتی و تغذیه‌ای دوران بارداری مانع از انتقال ویژگی‌های ناخواسته و پیامدهای ملموس وراثت، ژنتیک و اختلالات زیستی و روانی به موجودیت فرزند می‌شود و از سوی دیگر با بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و ثبات و وابستگی به آن‌ها و تقویت نهادهای اجتماعی، به‌ویژه نهاد مهم خانواده، به‌عنوان اقدامات پیشگیرانه رشد‌مدار، مانند، برنامه‌های تربیتی پس از تولد در دوره‌های گوناگون رشد بر مبنای محبت و قاطعیت، تقاضا و پاسخ‌دهی متعادل همراه با نظارت و کنترل عقلانی، به دنبال ازمیان‌برداشتن تمایلات بزه‌کارانه و گرایش به‌سوی شیوه‌های مجرمانه در فرزندان است. از این رو فرزندانی که بر پایه این سبک تربیتی تولید و

پرورش می‌یابند از ساختمان طبیعی خلقت متعادل با روانی آرام و خاطری مطمئن، عزت‌نفس و شخصیت روحی بالا، استقلال و اتکابه‌نفس درونی و رشد کافی نیروی عقلی، در کنار رشد عواطف و احساس برخوردارند و به‌طور غالب افرادی متواضع، منضبط، منظم و وظیفه‌شناس‌اند که در ضمن جدیت در انجام‌دادن وظیفه، نسبت به رفتار و اعمال خود احساس مسئولیت می‌کنند و با دیگران تعاملی خوب و سازنده دارند. رشد تمایلات عالی‌نفسانی چنین فرزندان در اثر ایمان آنان به خدا، درونشان را امیدوار و اطمینان‌بخش می‌کند، به‌طوری که با تکیه بر این نیروی درونی در کنار کمک و راهنمایی والدین، بر موقعیت‌های سخت، مواجهه با تکانه‌ها و تحریک‌های بیرونی و پیش‌آمدهای ناگوار، فائق می‌آیند و با آرامش، شخصیتشان را حفظ می‌کنند. در نتیجه نسبت به فرزندان تربیت‌یافته با سبک‌های انسان‌محور، پایین‌ترین سطح ناهنجارهای رفتارهای را خواهند داشت (منادی، ۱۳۸۴، ص ۵۴-۲۷).

### نتیجه

از میان سبک‌های تربیتی غیردینی، سبک مقتدرانه، نزدیکی بیشتری با سبک مسئولانه دینی دارد، با این حال، در بیان تفاوت آن‌ها می‌توان گفت توجه والدین به عزت‌نفس‌بخشی به فرزندان، برگرفته از نگاه انسان‌گرایانه پیروان این سبک به موجودیت انسانی فرزندان است. مشخصه سبک یادشده به‌عنوان تدبیر فنی پیشگیری اجتماعی از بزه‌کاری، تلاش والدین بر دستیابی فرزندان به اهداف مادی و اجتماعی است که خود برای آن‌ها تعیین می‌کنند که گاهی هم این اقتدار، به‌دلیل بالا بودن غیرمنطقی سطح معیار تقاضا و پاسخ‌دهی، به حس طردشدگی، پرخاشگری و افسردگی در فرزندان می‌انجامد. بنابراین، سبک فرزندپروری مسئولانه دینی که بر پایه توحید الهی، ولایت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به‌عنوان انسان‌های کامل بنا نهاده شده است، مناسب‌ترین الگوی تربیتی فرزند است. زیرا از یک‌سو، برنامه‌های آن بر محور رفتار مهربانانه، تعادل، تناسب با توانایی‌های فرزندان و احترام به آنان به‌عنوان مخلوق‌های باکرامت نهاده شده است، تا سرشت فضیلت‌خواهانه آن‌ها، در این فرایند مهم شکوفا شود و از سوی دیگر، نقش محوری تربیت بر دوش والدین - عاملان اصلی - فرایند تربیت فرزند به‌عنوان ضمانت اجرای مناسب این مهم، نهفته

است تا از خطرِ قرارگرفتن فرزندان در مسیرهای بزه‌کارانه جلوگیری کند. بنابراین و بی‌تردید، فرایند فرزندپروری دینی که هنوز سرزندگی و ماهیت باطراوات خود را از دست نداده، برای انجام‌دادن این رسالتِ خطیر به بشریت عرضه شده است، به‌طوری که با پیشرفت علوم تربیتی، روان‌شناسی و جز آن مصادیق فراوانی از آن تأیید شده است که از راه بازخوانی و بازنویسی آن، می‌توان سیاست تربیتی و سند چشم‌انداز جامع تشکیل خانواده، تولید و تربیت فرزند را برای ارائه به جوامع بشری تدوین و تصویب کرد.

## منابع و مأخذ

## قرآن کریم

۱. احدی، حسن، بنی‌جمالی، و شکوه‌السادات (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رشد*. تهران: جیحون.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۷). *غررالحکم و دررالکلم آمدی*. قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
۳. امیری‌نژاد، علی، قریشی‌راد، فخرالسادات و جوان‌مرد، غلام‌حسین (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و سلامت روان افراد اقدام‌کننده به خودکشی با والدین افراد عادی. *فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال ۱، شماره ۳، صفحات ۳۰۲-۳۱۵.
۴. بنخاری جعفری، محمد (۱۴۰۱). *الصحيح*. بیروت: دارالفکر.
۵. پدram، احمد (۱۳۹۱). *خانواده و تربیت فرزند*. اصفهان: کیاراد بصائر شهید فهمیده.
۶. حائری، محمد مهدی (۱۳۸۵ هـ.ق). *شجره طوبی*. نجف: منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعتها.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۸. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴). *تحف‌العقول عن آل الرسول*. قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
۹. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۹). *الحیاه*. قم: انتشارات دلیل‌ما.
۱۰. دانش، عصمت، تکریمی، زیبا و نفیسی، غلام‌رضا (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در میزان افسردگی فرزندان‌شان. *فصل‌نامه روان‌شناسی - روان‌شناسی کاربردی*، شماره ۲، صفحات ۳۹-۵۵.
۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۵). *روان‌شناسی رشد*. تهران: سمت.
۱۲. سهرابی، فرامرز و حسنی، اعظم (۱۳۶۸). شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان. *مجله روان‌شناسی*، دوره ۱۱، شماره ۱، صفحات ۷۵-۸۸.

۱۳. شریعتمداری، علی (۱۳۶۷). روان‌شناسی تربیتی. تهران: امیر کبیر.
۱۴. شریعتی، علی (بی‌تا). فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آثار بعثت.
۱۵. شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم و فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، سال ۲، شماره ۳، صفحات ۱۴۱-۱۱۵.
۱۶. شیری، عباس (۱۳۸۶). نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم. فصل‌نامه مطالعات و پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره ۲، صفحات ۵۳-۱۵.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۵). سنن‌النبی. تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۸. طبرسی، حسن بن افضل (۱۳۹۲ هـ.ق). مکارم‌الاخلاق. قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۹. طه، فریده (۱۳۹۰). بررسی کنگره‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل، نوجوانان در معرض خطر بزه‌کاری. تهران: میزان.
۲۰. عاقل، فاخر (۱۹۸۵). علم‌النفس التربوی. بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۱. عطاران، محمد (۱۳۷۱). آرای مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: انتشارات مدرسه.
۲۲. فلسفی، محمدتقی (۱۳۸۶). الطفل بین‌الوراثه و التریبه. قم: بوستان.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). تفسیرالصافی. تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر.
۲۴. قائمی امیری، علی (۱۳۷۹). حدود آزادی در تربیت. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۵. قائمی‌مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. قمی، عباس (۱۳۶۳). هدیه الاحباب فی ذکر المعروف بلکنی و الالقاب و الانساب. تهران: امیرکبیر.
۲۷. کلمن، جیمز. سی (۱۳۷۷). روان‌شناسی نابهنجار و زندگی‌نوین. تهران: دانشگاه الزهرا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی. قم: دارالحدیث للطباعه و النشر.
۲۹. کریمی‌نیا، محمدعلی (۱۳۷۲). الگوهای تربیت اجتماعی. قم: پیام مهدی.



۳۰. گسن، ریمون (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی. تهران: مترجم.
۳۱. مازندرانی، محمد صالح (۱۴۲۱). شرح أصول الكافی. بیروت: دار احیاء التراث العربی للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۲. ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، آلتا کارول و کانجر، جان جین وی (۱۳۶۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرک.
۳۳. متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹). كنز العمال فی السنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۴. متولی‌زاده، نفیسه (۱۳۸۶). پیشگیری رشدمدار. مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۲، شماره ۲، صفحات ۱۴۳-۱۲۳.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.
۳۷. منادی، مرتضی (۱۳۸۴). تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر شخصیت اجتماعی و فرهنگی جوانان. فصل‌نامه خانواده و پژوهش، سال ۲، شماره ۲، صفحات ۹۳-۸۰.
۳۸. منصور، محمود (۱۳۹۲). احساس کهنری. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. مهکام، رضا (۱۳۸۳). خانه‌گریزی دختران (ریشه‌ها و پیامدها). قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۴۰. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۴۱. هاک، پل (۱۳۸۱). موفقیت در تربیت فرزندان با رویکرد عقلانی-عاطفی. ترجمه حسین صیفوریان و محمدطاهر ریاضی ارسی، تهران: انتشارات رشد.
۴۲. هترینگتون، ای. میویس و پارک، راس دی (۱۳۷۳). روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر. جلد دوم، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۴۳. هواسی، ناهی (۱۳۸۶). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری در خانواده‌هایی که دارای نوجوان معتاد هستند با خانواده‌هایی که دارای نوجوان عادی هستند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

٤٤. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ یعقوبی. چاپ اول، بیروت: دار صادر.

45. Amelia, M.A. (2012). Parental substance use impairment, parenting and substance use disorder risk. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 43, 114-124
46. Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. In P.A. Cowan & E.M. Hetherington (Eds). *Family Transitions*, 2, 347-374.
47. Fraleigh, M.Y. (1987). The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Development*, 58, 44-57.
48. Konoupka, G. (1976). *Yang girl: A portraits of adolescent and behavior*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice
49. Maccoby, E.E. & Martin, J. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In E. M. Hetherington (Ed.), *Mussenmanual of child psychology*, 4, 320-339.
50. Robinson, C. & Mandleco, B. (2005). The parenting style and dimensions Questionnaire (PSQD). *Handbook of Family Measurement Techniques*, Thousand Oaks: SAGE.
51. Tomas, J.M. & Caroline, J.E. (2012). Fathers entering substance abuse treatment: An examination of substance abuse, trauma symptoms and parenting behaviors. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 43, 335-345.
52. Weiss, L.H. (1996). The relationship between parenting types and older adolescents' personality, academic achievement, adjustment, and substance use. *Child Development*, 67, 2101-2114.